و چون فرستادگان ما براى ابراهیم مژده آوردند، گفتند: «ما اهل این شهر را هلاک خواهیم کرد، زیرا مردمش ستمکار بوده‌اند.» (31) گفت: «لوط [نیز] در آنجاست.» گفتند: «ما بهتر مى‌دانیم چه کسانى در آنجا هستند؛ او و کسانش را -جز زنش که از باقى ماندگان [در خاکستر آتش‌] است- حتماً نجات خواهیم داد.» (32) و هنگامى که فرستادگان ما به سوى لوط آمدند، به علت [حضور] ایشان ناراحت شد و دستش از [حمایت‌] آنها کوتاه گردید. گفتند: «مترس و غم مدار که ما تو و خانواده‌ات را -جز زنت که از باقى‌ماندگان [در خاکستر آتش‌] است- حتماً مى رهانیم. (33) ما بر مردم این شهر به [سزاى‌] فسقى که مى‌کردند، عذابى از آسمان فرو خواهیم فرستاد. (34) و از آن [شهر سوخته‌] براى مردمى که مى‌اندیشند نشانه‌اى روشن باقى گذاشتیم. (35) و به سوى [مردم‌] مَدْیَن، برادرشان شعیب را [فرستادیم‌]. گفت: «اى قوم من، خدا را بپرستید و به روز بازپسین امید داشته باشید و در زمین سر به فساد برمدارید.» (36) پس او را دروغگو خواندند و زلزله آنان را فرو گرفت و بامدادان در خانه‌هایشان از پا درآمدند. (37) و عاد و ثمود را [نیز هلاک نمودیم‌]. قطعاً [فرجام آنان‌] از سراهایشان بر شما آشکار گردیده است، و شیطان کارهایشان را در نظرشان بیاراست و از راه بازشان داشت با آنکه [در کار دنیا] بینا بودند. (38)